

ایران در آستانه‌ی انقلاب اسلامی

در این درس با وضعیت کشور در آستانه‌ی انقلاب اسلامی آشنا می‌شوید. سوء استفاده‌ی آمریکایی‌ها از ایران تحت سلطه، روی کار آمدن جیمی کارتر، چگونگی برخورد با زندانیان سیاسی، سفر کارتر به ایران، رحلت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی انتشار مقاله‌ی اهانت‌آمیز نسبت به امام خمینی، قیام نوزدهم دی قم و کشتار هفده شهریور ۱۳۵۷ در تهران مهم‌ترین موضوع‌های مورد بررسی در این درس است.



کارتر و شاه

در جریان انتخابات آذرماه سال ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶م آمریکا، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور شد. کارتر با شعار «حقوق بشر» و «فضای باز سیاسی» در کشورهای تحت سلطه‌ی آمریکا، وارد عرصه‌ی رقابت‌های انتخاباتی شد. پیروزی او، در ابتدا به منزله‌ی شکست شاه تلقی شد؛ زیرا کارتر نامزد دمکرات‌ها بود و شاه در مبارزه‌ی انتخاباتی، هزینه‌ی زیادی برای

پیروزی رقیب او از حزب جمهوری‌خواه کرده بود.^۱ براساس راهبرد جمهوری‌خواهان، شاه نیز نقش ژاندارمی منطقه را برای آمریکا ایفا می‌کرد و هزینه‌های تأمین امنیت کشورهای همجوار، برعهده‌ی ایران بود.

۱- کرباسچی، هفت هزار روز؛ ج ۲؛ ص ۵۹۶؛ نیز ن. ک: لدین، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۶-۳۹ و ۶۵.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا شاه در مبارزات انتخاباتی آمریکا، از نامزد حزب جمهوری خواه حمایت می کرد؟

دولت دمکرات آمریکا در یک جنگ تبلیغاتی علیه دولت شوروی، خود را مدافع «حقوق بشر» نشان داد. از سوی دیگر برای پیشبرد این شیوهی تبلیغاتی ناگزیر شد تا از دیکتاتورهای خشن تحت سلطه‌ی خود، نظیر رژیم شاه بخواهد که از خشونت و شکنجه‌ی کم‌تری استفاده کند. واقعیت این است که اصولاً طرح فضای باز سیاسی و حقوق بشر یک شعار تبلیغاتی بود. آمریکا حتی در اوج اعمال خشونت و کشتار بی‌رحمانه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، از شاه حمایت کرد.^۱ سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران نسبت به سیاست‌های دوگانه‌ی حقوق بشر و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه‌ی آمریکا برای مهار انقلاب اسلامی، کارتر را متهم به نفاق می‌کند.^۲

برگی از تاریخ



دکتر علی شریعتی
(۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش)

علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ شمسی در روستای مزینان، از توابع سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خود محمدتقی شریعتی و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان‌های مشهد طی کرد و به دانشسرای تربیت معلم راه یافت. در سال ۱۳۳۲ در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه سوربن فرانسه در رشته‌ی زبان‌شناسی تطبیقی دکترا گرفت و در همان سال به ایران بازگشت.

۱- «در شب ۹ سپتامبر ۱۹۷۸، یک روز پس از کشتار بی‌رحمانه‌ی ۱۷ شهریور ماه، کارتر از محل «کمپ دیوید» با شاه تماس تلفنی برقرار کرد و حمایت کامل خود را از او اعلام کرد. ن.ک: لدین و لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۹.

۲- ن.ک: جرعه‌ی جاری، ص ۱۵۶: به گفته‌ی یکی از محققان غربی حقوق بشر کارتر نه شکل‌دهنده‌ی «اسب تراوی» کارتر در دربار شاه بود و نه عامل اصلی در بروز انقلاب به حساب می‌آمد. انقلاب اسلامی ایران دیر یا زود با حقوق بشر و یا بدون آن صورت می‌گرفت. ن.ک: همان، ص ۱۵۷.

شریعتی که فعالیت‌های سیاسی خود را در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با عضویت در شاخه‌ای از «نهضت مقاومت ملی» آغاز کرده بود، پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد جامعه‌شناسی، فلسفه و معارف اسلامی در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت اما پس از مدتی از تدریس در دانشگاه ممنوع شد. وی توسط استاد مطهری به تهران دعوت شد و در حسینیه ارشاد با ایراد سخنرانی‌های پرشور به فعالیت خود ادامه داد. سرانجام، ساواک، حسینیه ارشاد را تعطیل کرد و دکتر شریعتی را دستگیر و زندانی کرد. پس از آزادی از زندان و تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد به خارج از کشور عزیمت کرد و سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ به طرز مشکوکی در لندن از دنیا رفت. سخنرانی‌ها و نوشته‌های او درباره‌ی اسلام و تشیع مورد استقبال قشر تحصیل‌کرده‌ی کشور قرار گرفت و نقش مهمی در رویکرد جوانان به تفکر اسلامی داشت. البته برخی از دیدگاه‌های او مورد انتقاد اصولی بعضی از متفکران و صاحب‌نظران قرار گرفت.

دولت آموزگار

شاه، برای نشان دادن هماهنگی خود با سیاست «حقوق بشر» مورد نظر کارتر، اعلام کرد که در کشور، فضای باز سیاسی ایجاد خواهد کرد؛ لذا در مرداد ۱۳۵۶، امیرعباس هویدا را برکنار و جمشید آموزگار را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

به دنبال آن، اعلام شد که قانون محاکمه‌ی سریع مخالفان در دادگاه‌های سری نظامی لغو شده است و محاکمه‌هایی که در آن‌ها محکومان اغلب به تیرباران و زندان‌های طولانی محکوم می‌شدند، بعد از آن علنی خواهد بود. هم‌چنین با اعلام تشکیل «کمیسیون شاهنشاهی برای مبارزه با فساد»، رژیم به وجود فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی، اقرار کرد.

رحلت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی

در اول آبان ماه ۱۳۵۶، آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی که به همراه ایشان در نجف در تبعید بود و نقش مؤثری در هدایت و هماهنگی مبارزه با رژیم داشت، به شکلی مشکوک درگذشت. امام خمینی این حادثه را از الطاف خفیه‌ی الهی خواندند. بر خلاف انتظار رژیم شاه مراسم ختم با شکوهی برای آن مرحوم در سراسر کشور برگزار شد. در این مجالس، سخنرانی‌های تندی علیه شاه صورت گرفت. با وجود ممنوعیت شدید نام بردن از آیت‌الله خمینی، این حادثه باعث شد تا بار دیگر به‌طور گسترده‌ای نام امام خمینی بر سر زبان‌ها بیفتد.



آیت‌الله سیدمصطفی خمینی

(۱۳۰۹ - ۱۳۵۶ ش)

سیدمصطفی خمینی، فرزند امام خمینی،
در سال ۱۳۰۹ در قم به دنیا آمد.

او، علاوه بر مقام و درجه‌ای که در
اجتهاد و فقه و اصول داشت، در علوم معقول و
فلسفه و کلام نیز متبحر بود. سیدمصطفی خمینی
همراه و همگام با پدر بزرگوارش، علیه استبداد
مبارزه می‌کرد و در جریان تبعید امام خمینی به
ترکیه و عراق در سال ۱۳۴۳، همراه پدر بود.

سیدمصطفی، یکی از فرزندگان و امید
آینده‌ی اسلام بود. او تألیف‌های ارزشمندی در
فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید از خود برجا
گذاشت و از قوت حافظه‌ی بسیار بالایی برخوردار بود.

سرانجام این عالم مجاهد، در اول آبان ۱۳۵۶، به‌طور ناگهانی و به طرز مشکوکی از دنیا رفت.
معروف است که توسط عوامل رژیم پهلوی مسموم شد. پیکر او در نجف اشرف به خاک سپرده شد.
از سخنان معروف مرحوم سید مصطفی خمینی این بود که «در راه آزادی کشته‌های بسیار
خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است».^۱

سفر کارتر به ایران و پیامدهای آن

در دی‌ماه ۱۳۵۶ رئیس‌جمهور آمریکا، کارتر، وارد تهران شد. چگونگی مراسم ضیافت شام،
نحوه‌ی حضور اعضای خانواده‌ی سلطنت در آن و سخنان اغراق‌آمیز کارتر در ستایش از شاه، باعث
تعجب همگان شد. خاصه آن که کارتر، ایران را «جزیره‌ی ثبات» در یکی از پراشوب‌ترین نقاط جهان
خواند.^۲

سرمرستی شاه از تمجید کارتر و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از حکومتش، موجب شد تا پس
از پایان سفر کارتر، شاه، همان روز دستور دهد که مقاله‌ای شدیدالحن علیه امام خمینی نوشته شود.
یک هفته پس از بازدید کارتر، مقاله‌ی معروف به «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه‌ی «اطلاعات»

۱- کوثر، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷.

۲- ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۵۸.



سینما رکس آبادان

روز هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسید. در آن مقاله، امام خمینی، به شدت مورد حمله و توهین قرار گرفته بود.^۱

قیام مردم قم و تبریز: انتشار مقاله‌ی اهانت آمیز در روزنامه‌ی «اطلاعات»، با واکنش فوری طلاب، روحانیون و مردم قم روبه‌رو شد. تظاهرات روز نوزدهم دی ماه، منتهی به حمله‌ی نیروهای نظامی به مردم شد که طی آن، چهارده نفر کشته و عده‌ی زیادی مجروح و جمعی از علما و روحانیون نیز دستگیر و تبعید شدند

اما دامنه‌ی اعتراض‌ها افزایش یافت. در بیست و نهم بهمن، در شهر تبریز برای شهدای قم، مراسم «اربعین» (چهل‌م) برگزار شد و ارتش، مردم را به گلوله بست.^۲ در یزد نیز به مناسبت برگزاری چهل‌م شهدای تبریز، این اتفاق تکرار شد و درگیری‌ها، شهر به شهر، ادامه یافت. در اصفهان و شهرضا حکومت نظامی اعلام شد و در مرداد ۱۳۵۷، سینما رکس آبادان در یک جنایت مهیب به آتش کشیده شد و ۴۷۷ نفر در آتش سوختند. مردم ساواک را عامل آتش‌سوزی می‌دانستند. سهل‌انگاری مسئولان رژیم در پیگیری موضوع و عدم رسیدگی مراکز امنیتی بر این باور صحه گذاشت.^۳

۱- کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۵۷؛ هم‌چنین ن. ک: پارسوتز، غرور و سقوط، ص ۹۹ و ۲۱۶.

۲- اسناد انقلاب اسلامی واقعه‌ی تبریز، ج ۳، مقدمه کتاب ص ۷-۱.

۳- منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۱۸.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قیام ۱۹ دی ماه نقطه‌ی عطف انقلاب اسلامی و سرآغاز حرکت خودجوش مردمی به شمار می‌رود؟

شریف امامی و ادامگی کشتارها



در پی فاجعه‌ی سینما رکس، آموزگار مجبور به استعفا شد و جعفر شریف امامی (از فراماسون‌های برجسته‌ی بنیاد پهلوی) با تظاهر به شعار آشتی ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما او هم با طرح تغییر سیاست‌های رژیم توانست از گسترش اعتراضات جلوگیری کند.

تظاهرات گسترده‌ی مردم تهران که پس از اقامه‌ی نماز در عید فطر (۱۳ شهریور ۱۳۵۷) به امامت آیت‌الله مفتوح برگزار شد، وحشت شاه، دولت و آمریکا را افزایش داد؛ چرا که نمایش عظیمی از اتحاد و قدرت مردم بود.^۱

عظمت راهپیمایی روز عید فطر سبب شد که آمریکا، شاه و دولت، چاره را در اقدام به برقراری «حکومت نظامی» و توسل به خشونت گسترده ببینند.

سه روز بعد حدود ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران، با شعارهای «مرگ بر شاه»، «آمریکایی برو بیرون»، «حسین سرور ماست، خمینی رهبر ماست»، هم‌چنین شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که برای اولین بار سرداده می‌شد، راهپیمایی کردند. در پایان آن راهپیمایی مقرر شد، فردا تظاهرات در میدان ژاله (شهدا) برگزار شود، اما در اخبار رادیویی ساعت ۲۴ (نیمه‌شب)، در حالی که اکثر مردم در خواب بودند، در تهران و یازده شهر دیگر، حکومت نظامی اعلام شد.^۲

صبح هفده شهریور مردم به خیابان‌ها آمدند، در تهران، هزاران نفر، در میدان شهدا، اجتماع کردند. نظامیان و کماندوها نتوانستند مردم را متفرق کنند و به اعتراف یک خبرنگار خارجی: «با مسلسل تانک‌ها،

۱- کیهان، ۱۴ شهریور ۱۳۵۷.

۲- آن یازده شهر عبارت بودند از قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان.



آن‌ها را به گلوله بستند. هلی کوپترها (نیز) برای متفرق کردن مردم، از مسلسل و مواد تخریبی استفاده کردند و منظره، به میدان «اعدام دسته جمعی» شباهت داشت.^۱ پس از این کشتار گسترده، کارتر، طی پیامی، از شاه اعلام پشتیبانی و از اقدام‌های او در راه بازگرداندن نظم، حمایت کرد، اما در درون کاخ سفید بر سر چگونگی مقابله با انقلاب اسلامی اختلافات جدی وجود داشت. شورای

امنیت ملی معتقد به کشتار گسترده‌ی مردم، و وزارت امور خارجه در صدد نفوذ در انقلاب بود و این اختلاف سبب سردرگمی کارتر و شاه در سرکوب مردم و انقلاب اسلامی شده بود.

بیش‌تر بدانید

احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی

اسلام سیاسی به کمک آرای امام خمینی، که مشخصاً با انتشار کتاب «کشف‌اسرار» در سال ۱۳۲۳ ش. انتشار یافت، رفته‌رفته به صورت رکن کلیدی فعالیت و رقابت سیاسی درآمد و طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ به ایدئولوژی برتر و برگزیده تبدیل گردید که قادر شد به توده‌ها هویت و مشروعیت بدهد و آن‌ها را جذب و بسیج نماید. هم‌چنین الگوی عقیدتی «ولایت فقیه» در دیدگاه امام خمینی، روند نوسازی و احیای اندیشه دینی و بیداری اسلامی را رونق بخشید. گروهی از فعالان سیاسی و بخشی از جنبش دانشجویی این اندیشه را همراهی و تقویت کردند. هم‌گرایی و وحدت نظر گروه غیر روحانی جنبش بیداری با روحانیان، برای اثبات سازگاری دین اسلام با پیشرفت علوم و فنون و تمدن جدید بود.

در گفت‌وگو با احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی اندیشه‌های امام خمینی و فرهنگ ایرانی – اسلامی، جایگاه مرکزی داشت که می‌توان برای تبیین آن اصطلاح «معنویت‌گرایی در سیاست» و «بازگشت به خویشتن انسان مسلمان ایرانی» را به کار برد.^۲

۱- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۹۲.

۲- قزلسفلی، «امام خمینی، گفت‌وگو با چالش با گفت‌وگوهای غالب»، (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)

ج ۲، ص ۲۵۲ و ۲۶۰-۲۶۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- شاه برای هماهنگی با برنامه‌ی حقوق بشر کارتر، در سال ۱۳۵۶ چه تغییر و تحولاتی در ایران ایجاد کرد؟
- ۲- برگزاری مجالس ختم سیدمصطفی خمینی چه پیامدی به دنبال داشت؟
- ۳- انتشار مقاله‌ی توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات در هفدهم دی ۱۳۵۶، چه واکنش‌هایی در جامعه ایجاد کرد؟
- ۴- عکس‌العمل دولت آمریکا را نسبت به کشتار مردم ایران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد واقعه‌ی سینما رکس آبادان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد حادثه‌ی هولناک ۱۷ شهریور مطلبی تهیه کنید.

پیروزی انقلاب اسلامی

در این درس با هجرت امام خمینی به پاریس و تسریع روند انقلاب، روی کار آمدن دولت ازهاری، تظاهرات عاشورا، فرار شاه، نخست وزیری بختیار، بازگشت امام خمینی به ایران و پایان سلطنت پهلوی، اعلام تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب اسلامی آشنا می شوید.

هجرت امام خمینی به پاریس

با روزافزون شدن تظاهرات مردمی در ایران، رژیم عراق در پی یک توافق محرمانه با شاه و هماهنگی با آمریکا^۱، اقدام به اخراج امام خمینی از آن کشور کرد. امام در سیزدهم مهر ۱۳۵۷ به طرف کویت رفت. اما دولت کویت اجازه‌ی ورود به وی نداد. این درحالی بود که عراق نیز به امام، اجازه‌ی بازگشت نمی داد. در نتیجه امام خمینی و همراهانش، در پانزده مهر ۱۳۵۷ به فرانسه رفتند، ولی رئیس جمهور فرانسه، به



محل اقامت امام در پاریس، مرکز تجمع دانشجویان و ایرانیان ساکن آنجا بود.

محض اطلاع از ورود غیرمنتظره‌ی امام خمینی، نظر شاه را در این باره جویا شد و بعد به امام اجازه‌ی اقامت داد.^۲ تصور شاه و آمریکا این بود که دور شدن امام خمینی از ایران، سبب جدایی وی از جریان انقلاب خواهد شد اما شرایط بهتر ارتباطات در فرانسه، به کمک رهبری انقلاب آمد. از آن پس، تماس‌ها راحت‌تر و پیام‌ها بیش‌تر شد.

۱- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲- زیسکارستن، «قدرت و زندگی»، ص ۱۱۵.

تشکیل دولت نظامی از هاری

در سیزدهم آبان ۱۳۵۷، جمع زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان تظاهرکننده، در دانشگاه تهران، توسط نیروهای نظامی و انتظامی به شهادت رسیدند. پخش صحنه‌هایی از این ماجرا در تلویزیون، احساسات مردم را برانگیخت. به دنبال آن، شریف‌امامی از نخست‌وزیری برکنار و ارتشبد از هاری، به جای او منصوب شد اما در همان روز، مجدداً در تهران تظاهراتی شدیدتر برگزار گردید و طی آن، بخشی از سفارت انگلیس به آتش کشیده شد. در روز پانزدهم آبان، شاه طی سخنانی، اعتراف کرد که «پیام انقلاب ملت ایران» را شنیده است و سوگند یاد کرد که خطاها و فساد و ظلم و بی‌قانونی، دیگر تکرار نخواهد شد.^۱

از هاری، در اولین اقدام برای ایجاد کاهش ناراضیتی و برقراری آرامش، جمعی از سران بدنام رژیم پهلوی، نظیر امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر اسبق و ارتشبد نصیری، رئیس سابق ساواک را دستگیر کرد اما امام خمینی به مردم ایران هشدار داد این اقدامات ظاهری و فریب کارانه است.^۲

برگی از تاریخ

آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



آیت‌الله طالقانی از ابتدای نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از دوره‌ی رضاشاه وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شد. اوج مبارزات او در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ بود. در این سال‌ها چندبار دستگیر و زندانی شد. مسجد هدایت در تهران که آیت‌الله طالقانی امام جماعت آن را برعهده داشت، یکی از مراکز مهم روشنگری مردم علیه رژیم ستم‌شاهی بود. این مجاهد خستگی‌ناپذیر، در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد و کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نخستین امام جمعه‌ی تهران از سوی امام خمینی انتخاب شد ولی در سال ۱۳۵۸ درگذشت. امام خمینی در پیامی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی، از او به عنوان «ابوذر زمان» یاد کردند.

۱- اطلاعات، ۱۶/۸/۱۳۵۷.

۲- کوثر، ج ۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۹.

تظاهرات گسترده‌ی مردم، در داخل کشور، با هماهنگی‌های شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مهدوی‌کنی و دیگر علما و روحانیون شاخص تهران و شهرستان‌ها، هم‌چنین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی مسلمان و سایر گروه‌ها هم‌چنان ادامه داشت اما قدرت تعیین‌کننده، رهبری امام خمینی بود.^۱

سران گروه‌های سیاسی و روحانیون برجسته و مبارز، مانند آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری، برای هماهنگی مبارزات به ملاقات امام خمینی به پاریس شتافتند.

تظاهرات عاشورا: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی تظاهرات و راهپیمایی تاریخی مردم در عاشورای سال ۱۳۵۷ است. با آغاز ماه محرم، امام خمینی با صدور پیامی که برخاسته از ماهیت و فلسفه‌ی قیام عاشورا بود،^۲ مردم را به راهپیمایی در این روز بزرگ دعوت کردند.^۳ با وجود برقراری حکومت نظامی، مردم در اولین شب محرم به خیابان‌ها آمدند اما رژیم، عذاران حسینی را به گلوله بست. کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم در جنوب تهران و سایر شهرهای کشور زمینه را برای راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا فراهم کرد.^۴ جمعیتی که در تهران با نظمی شگفت‌آور به سوی میدان آزادی حرکت کردند، حدود ۴ میلیون نفر و در سراسر کشور بالغ بر ۱۶ میلیون نفر برآورد شده است.^۵ این راهپیمایی عظیم سراسری ناظران خارجی را شگفت‌زده کرد؛ به گونه‌ای که در ظهر عاشورای ۱۳۵۷ تحلیل‌گران مسائل سیاسی و خبرگزاری‌های مختلف جهان عمر حکومت شاهنشاهی را در ایران پایان یافته تلقی کردند.^۶ مردم در این تظاهرات که به منزله‌ی یک فراندوم (همه‌پرسی) بود، خواستار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی شدند.^۷ عظمت و گستردگی تظاهرات این دو روز و نظم و انسجام آن‌ها، وحشت شاه

۱- نجاتی، همان مأخذ، ص ۱۷۷.

۲- محرم ماهی است که باید مشت‌گره کرده آزادخواهان و استقلال‌طلبان و حق‌گویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۳- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۰.

۴- موحد، دو سال آخر، ص ۲۳۳؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۳-۳۵.

۵- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۳۰.

۶- کوثر، ج ۲، ص ۴۸۱.

۷- برخی از شعارهای محوری مردم در سراسر ایران این بود: فراندوم عاشورا، پیام ما به دنیا. الغای شاهنشاهی، حکومت اسلامی. این شاه‌آمریکایی اخراج باید گردد. حکومت اسلامی ایجاد باید گردد. امام خمینی پس از این راهپیمایی بار دیگر تأکید کرد که سلطنت شاه قانونی نیست. صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۵.

و آمریکا را بیش از پیش کرد.^۱

قطعه‌نامه‌ی راهپیمایی روز عاشورا که توسط آیت‌الله بهشتی قرائت شد، تأکیدی مجدد بر سرنگونی نظام سلطنتی، بازگشت امام خمینی به کشور و تشکیل جمهوری اسلامی و هم‌چنین دعوت از ارتش، برای پیوستن به مردم بود.

نخست‌وزیری بختیار: در چنین شرایطی ارتشبد از هاری، کناره‌گیری کرد و شاپور بختیار، از اعضای جبهه‌ی ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما اختلاف نظر میان دستگاه‌های سیاست‌گذار آمریکا، شرایط را برای کارتر و شاه وخیم‌تر کرده بود. شورای امنیت ملی آمریکا به دنبال اجرای کودتا و به راه انداختن جوی خون در ایران بودند اما کارتر، وزارت امور خارجه و سازمان سیا، به فکر فریب مردم، از طریق جای‌گزینی بختیار به جای شاه و سوار شدن بر موج انقلاب بودند.

بیش‌تر بدانید

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود می‌گوید: هنگامی که تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورا پیش آمد، محمدرضا و از هاری با هلیکوپتر (چرخ‌بال) تمام سطح شهر را بازدید کردند. محمدرضا خطاب به از هاری گفت: «همه‌ی خیابان‌ها مملو از جمعیت است پس موافقین من کجا هستند؟» از هاری پاسخ داد: «در خانه‌هایشان». آخرین امید محمدرضا به یأس بدل شد و گفت: «پس فایده‌ی ماندن من در این مملکت چیست؟» از هاری پاسخ داد: «این بسته به نظر خودتان است».^۲

فرار شاه

با بسته شدن همه‌ی راه‌ها و دست‌آویزها برای باقی ماندن شاه در کشور، اهتمام عمده‌ی آمریکا بر حفظ ساختار ارتش قرار گرفت. به همین دلیل، ژنرال رابرت هایزر، معاون نیروهای آمریکا در اروپا، در دی‌ماه ۱۳۵۷ به ایران فرستاده شد.

وظیفه‌ی ژنرال هایزر، هماهنگی با سران ارتش، برای حمایت از دولت بختیار و در صورت لزوم، انجام کودتای نظامی علیه انقلاب و حفظ مراکز راهبردی مورد نظر آمریکا بود. تلاش آمریکا برای غلبه بر تظاهرات مردمی و ایجاد تفرقه در بین نیروهای انقلابی به نتیجه نرسید و مردم هم‌چنان خواستار سقوط سلطنت و برقراری حکومت «جمهوری اسلامی» بودند.

۱- یکی از مقامات آمریکا بعد از این راهپیمایی اعلام کرد: «آن‌چه در ایران روی می‌دهد، یک تراژدی برای غرب است». موحد،

دوسال آخر، ص ۲۳۸.

۲- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۸۹-۵۹۰.

به دستور امام خمینی، «شورای انقلاب اسلامی» تشکیل شد و موظف گردید به بررسی چگونگی تشکیل دولت موقت، نحوه‌ی انتقال قدرت و فراهم کردن مقدمه‌های تصویب قانون اساسی جدید بپردازد.

روز بیست و ششم دی‌ماه، محمدرضا شاه و همسرش، پس از تشکیل شورای سلطنت، از ایران گریختند. با این که قرار بود شاه به آمریکا برود، کارتر با فریب‌کاری، او را به مصر فرستاد. به دنبال اعلام خبر فرار شاه از رادیو، جشن و سروری بی‌سابقه در سراسر کشور برپا شد. مردم با ریختن به خیابان‌ها، پخش نقل و شیرینی، روشن کردن چراغ اتومبیل‌ها به شادی و شکرگزاری پرداختند.

تظاهرات اربعین و بازگشت امام خمینی

با فرار شاه، تظاهرات در شهرهای مختلف ادامه یافت. در پاره‌ای از شهرها، عوامل رژیم، مردم را به گلوله بستند. شاپور بختیار که تصور می‌کرد پس از رفتن شاه، قدرت اصلی در ایران شده است، به دنبال تحقق آرزوهای خام خود بود.

امام خمینی از نظامیان خواست پادگان‌ها و خدمت در ارتش شاه را ترک کنند. در پی آن فرار افسران و سربازان از پادگان‌ها، سرعت گرفت. در راهپیمایی عظیم و تاریخی روز اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)، مصادف با بیست و نهم دی‌ماه ۱۳۵۷، مردم، بار دیگر نفرت خود از حکومت پهلوی و درخواستشان را برای استقرار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تکرار کردند. امام خمینی اعلام کرد که به زودی به ایران بازخواهد گشت تلاش‌های آمریکا و بختیار برای به تعویق انداختن سفر وی به نتیجه نرسید.

سیدجلال‌الدین تهرانی که در غیاب شاه به عنوان رئیس «شورای سلطنت» تعیین شده بود، در اولین جلسه، ضمن اشاره به غیرقانونی اعلام شدن آن از سوی امام، از ریاست و عضویت خود در شورای مذکور استعفا داد. او با وجودی که عملاً جانشین شاه شده بود، ملاقات با امام خمینی را بر آن ترجیح داد؛ زیرا پیش شرط ملاقات با امام خمینی، استعفای او از عضویت در آن شورا بود. به این ترتیب، شورای سلطنت، عملاً از هم پاشید.

بیش‌تر بدانید

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در خاطرات خود می‌گوید: فعالیت‌های من و سفارت آمریکا برای حفظ منافع ملی آمریکا بود. من با پیش‌بینی این احتمال که شاه قدرت خود را از دست بدهد و یا از صحنه خارج شود، می‌بایست زمینه‌ای برای ادامه‌ی حضور آمریکا در صحنه، در صورت چنین پیشامدی فراهم سازم و از فرصت‌طلبی شوروی‌ها برای سوءاستفاده از این انقلاب جلوگیری به‌عمل آورم. در اواخر دسامبر برای من تردیدی باقی نماند که حفظ شاه بر سریر قدرت امکان‌پذیر نیست و ما باید به‌طور جدی آماده‌ی انطباق خود با شرایط بعد از رفتن شاه باشیم.

سوم ژانویه ۱۹۷۹ پیامی دریافت کردم که در آن گفته شده بود، نزد شاه بروم و به او بگویم به نظر دولت آمریکا، مصالح ایجاب می‌کند که شاه از کشور خارج شود. شاه به سخنان من گوش کرد و با لحنی کم و بیش ملتسمانه، گفت: «خیلی خوب! اما کجا باید بروم؟»

گفتم: «ملک شخصی شما، در سوئیس».

گفت: «امنیت ندارد». بعد گفت: «ما در انگلستان ملکی داریم ولی هوای آن‌جا خیلی بد است».

بعد گفتم: «آیا میل دارید ترتیب مسافرت شما را به آمریکا بدهم؟»

شاه یک مرتبه از جای خود بلند شد و با هیجانی شبیه حرکت یک پسر کوچک، گفت: «آه:

شما این کار را برای من می‌کنید؟!»



به‌رغم تلاش‌های آمریکا، دولت بختیار و مخالفان غیرمذهبی حکومت شاه برای جلوگیری از ورود و یا به‌عقب‌انداختن بازگشت امام خمینی^۲ به میهن و هم‌چنین با وجود احتمال سوءقصد به جان وی،^۳ امام در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷، در میان عظیم‌ترین استقبال تاریخی، به ایران بازگشت.^۴ ایستادن امام خمینی بر پله‌های هواپیما در فرودگاه مهرآباد، نماد خاتمه یافتن دوران استیلای بیگانگان بر کشور و آغاز عصر جدیدی در تاریخ سیاسی ایران بر پایه‌ی استقلال و احیای ارزش‌های اسلامی و ملی بود.

۱- سولیوان و پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲- اعتراضات ژنرال، ص ۲۰۸ و ۲۲۶. ژنرال هایزر در خاطرات خود می‌گوید: «خطر القوئده اصلی که به فاجعه‌ای برای آمریکا منجر می‌شد، بازگشت سریع [امام] خمینی به ایران بود». هایزر، مأموریت در تهران، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۳- فردوست می‌گوید: «در نخست‌وزیری طرح انفجار هواپیمای امام نیز مطرح شد». فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی،

ج ۱، ص ۶۰۷.

۴- جهت اطلاع از جزئیات بازگشت امام خمینی به وطن ن. ک: کوثر، ج ۲، ص ۴۲۴-۶۳۳ و ج ۳، ص ۲۷-۲۸.



امام در سخنرانی خود در بهشت زهرا در همان روز، ضمن تسلیت گفتن به خانواده‌ی شهدا، درباره‌ی مشروعیت نداشتن رژیم پهلوی سخنرانی ایراد کرد. رهبر انقلاب، با بیان این که نظام سلطنت، به دلیل دخالت نداشتن مردم در تعیین سرنوشت خود و فساد شاهان موروثی، خلاف عقل بشری است، اعلام کرد: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم. ما نمی‌گذاریم ذلت‌های سابق، اعاده شود».^۱

اعلام تشکیل دولت موقت

با پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان، به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، انتخاب شد و خبر آن، در شانزدهم بهمن ماه، رسماً به اطلاع مردم رسید.

در پی آن، امام خمینی از مردم خواست تا با برگزاری تظاهراتی آرام، از دولت بازرگان، حمایت کنند اما شاپور بختیار، در همان روز، طی اقدامی خیانت‌آمیز، قرارداد تحویل تجهیزات نظامی قبلاً خریداری شده از آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار را لغو کرد. با توجه به این که وجه این قرارداد قبلاً پرداخت شده بود، با این اقدام بختیار، کل این مبلغ نیز به جیب آمریکا رفت.^۲

در این زمان درگیری میان نیروهای ارتش، آغاز شده بود. بسیاری از سربازانی که مجبور به تیراندازی به طرف مردم بودند، سلاح خود را به طرف فرماندهان‌شان نشانه می‌گرفتند، یا از میدان درگیری می‌گریختند.

۱- کوثر، ج ۳، ص ۱۳.

۲- «اطلاعات»، ۱۳۵۷/۱۱/۱۶.

تلاش برای کودتا و پیروزی انقلاب اسلامی

با شدت گرفتن درگیری‌ها، ساعت حکومت نظامی در تهران ۷/۵ ساعت طولانی‌تر شد. چرا که با تلاش ژنرال هایزر آمریکایی، فرماندهان نظامی، در صدد کودتا بودند تا با دستگیری امام خمینی و سایر شخصیت‌ها، انقلاب را شکست دهند.^۱

امام خمینی در همان روز اعلام کرد: «... اعلامیه‌ی امروز فرماندار نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ‌وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهند؛ بلکه به خواست خدا، حق، پیروز است».^۲

اگر امام خمینی با مواضع قاطعانه‌ی خود کودتایی را که در شرف وقوع بود، خنثی نمی‌ساخت، حادثه‌ی خونینی روی می‌داد.

با صدور اعلامیه‌ی امام خمینی در ۲۱ بهمن ماه، مردم از نیروی هوایی که لشکر گارد شاهنشاهی به آن حمله کرده بود، حمایت کردند. در مدت کوتاهی با مشارکت وسیع زنان و مردان در سراسر کشور، مراکز حساس به تصرف مردم درآمد و پایگاه‌های رژیم یکی پس از دیگری سقوط کرد. با مشاهده‌ی این وضع، شورای فرماندهان ارتش، طی اطلاعیه‌ای، بی‌طرفی خود را اعلام کرد.^۳



۱- هایزر، مأموریت در تهران، ص ۳۴۴-۳۴۷؛ برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۵۳-۱۵۷؛ متن مذاکرات سران ارتش، مثل برف

آب خواهیم شد، ص ۱۶-۱۸.

۲- اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۲.

۳- ن. ک: کوثر، ج ۳، ص ۲۹۸ و ۳۳۳.

سرانجام رژیم سلطنتی شاه که ایران را تا مرز یک کشور مستعمره و تحت سلطه‌ی آمریکا پیش برده بود، در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ به‌طور کامل سقوط کرد و مردم با شنیدن صدای انقلاب از رادیو در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با سرور و شادی وصف ناپذیری پایان پادشاهی و طلیعه‌ی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران حادثه‌ی بزرگی بود که حیرت جهانیان را برانگیخت و حادثه‌ی بزرگ قرن نام گرفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- هجرت امام خمینی به پاریس چه پیامدهایی را در پی داشت؟
- ۲- از هاری برای برقراری آرامش به چه اقداماتی دست زد؟
- ۳- دولت آمریکا در دوره‌ی نخست‌وزیری بختیار چه سیاستی نسبت به ایران اتخاذ کرد؟
- ۴- چرا برپایی تظاهرات عاشورا به منزله یک همه‌پرسی عمومی تلقی شد؟
- ۵- دولت موقت چگونه شکل گرفت؟

اندیشه و جست و جو

— آمریکا در جریان انقلاب اسلامی یکی از مأموران خود را به نام ژنرال هایزر به ایران اعزام کرد. در مورد مأموریت هایزر در ایران مطلبی تهیه کنید.